



امارت اسلامی افغانستان



وزارت ارشاد، حج و اوقاف
ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد
موضوع خطابت روز جمعه و تقریر و بیان
تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات
به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۸ / ذی القعدة ۱۴۴۷ هـ، ق مطابق ۲۵ / نور ۱۴۰۵ هـ، ش

برقضاء و تقدیر الهی ایمان داشتن، و برآن راضی بودن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله مقدر الأقدار، ومسخر الليل والنهار، والصلاة والسلام على سيدنا محمد أبر الأبرار، وعلى آله وصحبه الأخيار، أما بعد :
قال الله سبحانه وتعالى: (مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ، لَكِنَّا لَا تَسَوُّوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ). الحديد: (۲۲ - ۲۳)

حضر محترم وشنودگان گرانقدر!

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته!

حاضرین محترم یکی از اهداف سخنرانی و بیان در روز جمعه این است که مردم از دین خود آگاه شوند، از عقاید خویش شناخت پیدا کنند، و هنگامی که مسلمان از زیبایی ایمان خود آگاه گردد، در دلش اطمینان و آرامش پیدا می‌شود و در برابر سختی‌ها و مشکلات، نیروی صبر و بردباری او بیشتر می‌گردد. موضوع سخنرانی امروز ما ایمان داشتن به قضاء و تقدیر الهی و راضی بودن به آن است.

یکی از ارکان ایمان، ایمان داشتن به قضاء و تقدیر الله تعالی و راضی بودن به قضاء و تقدیر اوست. چنان که در حدیث مشهور جبرئیل آمده است: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ» صحیح مسلم (۱/ ۲۸) ترجمه: (پیامبر علیه السلام در پاسخ جبرئیل علیه السلام فرمودند: ایمان این است که به الله تعالی، فرشتگان او، کتاب‌های او، پیامبران او و روز آخرت ایمان بیاوری، و نیز به تقدیر خیر و شر از جانب الله تعالی ایمان داشته باشی).

منظور ما از قضاء و تقدیر الهی این است که الله تعالی بر اساس علم ازلی خود که نسبت به تمام مخلوقات دارد، سرنوشت مخلوقات را پیش از آفرینش آنان نوشته است. الله تعالی در لوح محفوظ زمان مرگ انسان‌ها، اندازه و کیفیت روزی آنان، اعمال نیک و بدشان، سعادت و شقاوت انسان‌ها را همه ثبت کرده و اندازه‌گیری نموده است. هر آنچه که رخ داده یا در آینده رخ خواهد داد - خواه آفت‌ها و بلاها باشد، خواه عذاب‌ها، جنگ‌ها، بیماری‌ها و وباها، یا سلامتی و فراخی روزی - همه را الله تعالی از ازل در لوح محفوظ نوشته است، و زمان، کیفیت و وقوع این امور را نیز تعیین کرده است. تمام خوبی‌ها و بدی‌ها مطابق و موافق قضاء و تقدیر الهی واقع می‌شوند.

آنچه را که الله خواسته است، حتماً واقع می‌شود و آنچه را که نخواستہ است، هرگز واقع نمی‌شود. بنابراین هیچ حادثه‌ای در جهان رخ نمی‌دهد مگر به مشیت و قدرت الله تعالی.

ایمان داشتن به قضاء و تقدیر، یکی از ارکان بزرگ ایمان است که به وسیله آن برای مؤمن آرامش و اطمینان حاصل می‌شود. اگر چیزی از مال و زندگی دنیا را از دست بدهد، یا به مقام و جایگاهی که می‌خواهد نرسد، و یا دچار رنج و سختی گردد، اندوهگین نمی‌شود؛ زیرا می‌داند که تمام امور بر اساس قضاء و تقدیر الله تعالی جریان دارد و هیچ چیزی بدون اراده او واقع نمی‌شود. اگر خوشی و نعمتی به او برسد، شکر الله را ادا می‌کند، و اگر غم و سختی به او برسد، صبر و بردباری پیشه می‌سازد، و در هر دو حالت، سرانجام کار او خیر و نیکی خواهد بود. چنان که الله تعالی فرموده است: (وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ). البقرة (۲۱۶):

ترجمه: ولیکن بسا اوقات چیزی را نمی‌پسندید در حالیکه بخیر شما می‌باشد و بسا چیزی را دوست دارید ولی به ضرر شما است والله میداند نفع و زیان شمارا و شما نمی‌دانید.

الله تعالی درباره قضاء و تقدیر می‌فرماید: وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (یس: ۱۲)

ترجمه: و همه چیز را در کتابی که پیشوای روشنگر است ضبط کرده ایم.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (الأنعام: ۵۹)

ترجمه: و کلیدهای غیب نزد اوست و جز او کسی از غیب آگاهی ندارد، و آنچه را در خشکی و دریا است می‌داند، و هیچ برگه فرو نمی‌افتد مگر اینکه الله از آن آگاه است، و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه تفصیل آن در کتاب مبین درج است. در آیه مبارکه دیگری الله تعالی می‌فرماید: إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (القمر: ۴۹)

ترجمه: ما هر چیز را به اندازه معین آفریده ایم.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ. القمر: (۵۳) ترجمه: و هر کوچک و بزرگی نوشته و ثبت شده است.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا. الفرقان: (۲)

ترجمه: و همه چیز را آفریده است پس آنها را به اندازه معین مقرر کرده است.

در یک حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ « كَتَبَ اللَّهُ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِخَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ». صحیح مسلم (۵۱ / ۸)

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: الله تعالی تقدیرات مخلوقات را پنجاه هزار سال پیش از آنکه آسمان‌ها و زمین را بیافریند، نوشته است.

در روایت دیگری آمده است: عن ابن الدیلمی رضی الله عنه ، قال : « لَقِيتُ أَبِي بَن كَعْبٍ فَقُلْتُ : يَا أَبَا الْمُنْذِرِ إِنَّهُ قَدْ وَقَعَ فِي نَفْسِي شَيْءٌ مِنْ هَذَا الْقَدَرِ ؛ فَحَدَّثَنِي بِشَيْءٍ لَعَلَّهُ يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِي ، قَالَ : ... وَوَلَوْ أَنْفَقْتَ جَبَلَ أَحَدٍ ذَهَبًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا قَبِلَهُ اللَّهُ مِنْكَ حَتَّى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ ، وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ ، وَمَا أَخْطَاكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ ، وَلَوْ مِتَّ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَدَخَلَتِ النَّارَ ، قَالَ : فَأَتَيْتُ حُدَيْفَةَ فَقَالَ لِي مِثْلَ ذَلِكَ ، وَأَتَيْتُ ابْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ لِي مِثْلَ ذَلِكَ ، وَأَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِي عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذَلِكَ ». سنن أبی داود-ن(۳۶۱/۴)

ترجمه: از ابن دیلمی رضی الله عنه روایت است که گفت: با ابی بن کعب رضی الله عنه ملاقات کردم و به او گفتم: ای ابو منذر! در مورد تقدیر چیزی در دل من پیدا شده است، پس مطلبی درباره تقدیر برایم بیان کن تا آنچه در دلم آمده از بین برود. ابی بن کعب رضی الله عنه گفت: اگر به اندازه کوه احد طلا در راه الله عزوجل انفاق کنی، الله آن را از تو قبول نمی کند تا زمانی که به تقدیر ایمان بیاوری و یقین داشته باشی که آنچه به تو رسیده است، هرگز ممکن نبود به تو نرسد، و آنچه به تو نرسیده است، هرگز ممکن نبود به تو برسد. و اگر بدون این عقیده بمیری، حتماً داخل دوزخ خواهی شد.

ابن دیلمی رضی الله عنه می گوید: سپس نزد حضرت حذیفه بن یمان رضی الله عنه رفتم، او نیز همین سخن را برایم گفت. بعد نزد عبدالله بن مسعود رضی الله عنه رفتم، او نیز همین سخن را گفت، و سپس نزد زید بن ثابت رضی الله عنه رفتم، او نیز همین مطلب را از پیامبر صلی الله علیه وسلم برایم روایت کرد.

الله تعالی هم خیر را آفریده است و هم شر را، و به انسان اختیار داده است که خیر را انجام دهد یا ترک کند، و شر را انجام دهد یا از آن خودداری نماید. از سوی دیگر، الله تعالی به انسان عقل عطا کرده و پیامبران را در زمان های مختلف به سوی آنان فرستاده است، و خیر و شر را برایشان روشن ساخته و به آنان گفته است که الله تعالی خیر و نیکی را دوست دارد، و هر کسی که کارهای نیک انجام دهد، الله تعالی او را دوست می دارد و یاری اش می کند.

همچنین الله تعالی شر را نیز آفریده است، و به زبان پیامبران و رسولان به انسان ها بیان کرده است که الله تعالی شر را نمی پسندد و مرتکبان شر را نیز دوست ندارد. چنان که الله تعالی فرموده است: **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا** (الانسان:۳)

ترجمه: البته ما به انسان راه راست را نشان دادیم، خواه شکر گزار باشد خواه ناشکر.

حل آسان مولانا اشرف علی تهانوی: حکیم الامت مولانا اشرف علی تهانوی مسئله قدر را در قالب مثالی بسیار زیبا توضیح داده است. ایشان می نویسد: پادشاهی به سنگی که در میدان افتاده بود اشاره کرد و اعلام نمود که مردم در برداشتن یا برنداشتن این سنگ اختیار دارند، و سربازان من هیچ کس را مجبور به برداشتن یا برنداشتن آن نخواهند کرد؛ البته من خوش دارم که کسی این سنگ را از جای خود بردارد، و هر کس این کار را انجام دهد، به او پاداش خواهم داد، و هر کس به خواست من اهمیت ندهد، او را مجازات خواهم کرد. با این حال، من از پیش می دانم چه کسانی به خواست من توجه خواهند کرد و چه کسانی توجه نخواهند کرد. این آگاهی پادشاه همان تقدیر است.

راضی بودن به قضاء و تقدیر الهی:

منظور از راضی بودن به قضاء و تقدیر الله تعالی این است که انسان بدون تردید و با خوشی، آنچه را که الله تعالی برای او مقدر کرده است، بپذیرد.

راضی بودن به اوامر الله تعالی و خشنود بودن از دوری جستن از نواهی او، راضی بودن به سختی‌ها و مصیبت‌هایی که از جانب الله تعالی می‌رسد، راضی بودن به نعمت‌های الهی، به بخشش و عطای او، و نیز راضی بودن به تنگدستی، سختی و بیماری که از جانب الله تعالی است، همه از مفهوم ایمان به قضاء و تقدیر و رضایت به آن می‌باشد. الله تعالی فرموده است: قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ. التوبه: (۵۱)

ترجمه: بگو: هرگز به ما نمی‌رسد مگر آنچه الله برای ما نوشته است، او کارساز ماست و باید که مؤمنان به الله توکل کنند.

از نمونه‌های راضی بودن به قضاء و تقدیر الهی، راضی بودن به اوامر و نواهی دینی الله تعالی است؛ یعنی انسان با رضایت کامل، اوامر الله را به درستی انجام دهد، از ممنوعات و نواهی او دوری کند، و در برابر همه احکام و فیصلات الهی سر تسلیم فرود آورد.

همچنین راضی بودن به رسالت و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، مقدم داشتن آن حضرت بر جان، مال و فرزند، پیروی از سنت‌ها و سخنان ایشان، و دفاع با جان و مال از دین و شریعتی که آن حضرت آورده‌اند، از مظاهر رضایت به قضاء و تقدیر الهی است.

راضی بودن به وضعیت خود، به فقر و تنگدستی، بیماری، اسارت، سفر، و مشکلات جانی و مالی، و این باور که چون این مشکلات از جانب الله جل جلاله است، پس با دل و جان آن را می‌پذیرم، زیرا از سوی پروردگار و خالق من است.

همچنین راضی بودن به صحت و سلامتی، خوشی، ثروت و دارایی، و دوری از حرص و بخل، و این اعتقاد که همه این نعمت‌ها را الله تعالی به من عطا کرده و از جانب پروردگار من است، و من باید شکر آن را به‌جا آورم و آن‌ها را در راه‌های رضای الله مصرف کنم.

راضی بودن به قضاء و تقدیر الله تعالی بخشی از ایمان است؛ یعنی انسان به این باور راضی باشد که هرچه برای او رخ می‌دهد، بر اساس نوشته و علم الهی است، خواه خوشی باشد یا غم، کامیابی باشد یا ناکامی، بیماری باشد یا سلامتی، فقر باشد یا ثروت؛ همه از جانب الله تعالی است و او بر همه آن‌ها آگاه و داناست. و چون هر مصیبت، غم، درد و رنج از جانب الله تعالی و در اختیار اوست، پس ما باید به آن راضی باشیم و صبر پیشه کنیم.

همچنین هر خوشی، سلامتی، موفقیت، ثروت و دارایی از جانب الله تعالی است، و حتی یک برگ درخت نیز بدون علم الله حرکت نمی‌کند، پس باید شکر این نعمت‌ها را به‌جا آوریم و همه را به الله تعالی نسبت دهیم.

راضی بودن به فیصلات الله تعالی مقتضای ایمان است. الله تعالی در آیت مبارکی می فرماید: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ، لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ). الحديد(۲۲-۲۳)

ترجمه: هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما رخ نمی دهد مگر اینکه پیش از آفرینش آن، در کتابی (تقدیر) ثبت شده است، چون این امر برای الله آسان است؛ تا بر آنچه از دست داده اید اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده شده است مغرور و شادمان نگردید، و الله هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. در آیه مبارکه دیگری آمده است: مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ). التغابن: (۱۱)

ترجمه: هیچ مصیبتی جز به اذن الله نمی رسد، و هر کس به الله ایمان بیاورد، الله دل او را هدایت می کند.

در حدیث شریف آمده است: عن جابر بن عبد الله رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: « لا يؤمن عبدٌ حتى يؤمنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ، حتى يعلمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَخْطِئْهُ، وَأَنَّ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَصِيبَهُ ». سنن الترمذی(۴/ ۴۵۱)

ترجمه: از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هیچ بنده ای مؤمن کامل نمی شود تا زمانی که به خیر و شر تقدیر ایمان نداشته باشد، و بداند آنچه به او رسیده است، ممکن نبود به او نرسد، و آنچه به او نرسیده است، ممکن نبود به او برسد. یعنی همه این امور با علم ازلی و کامل الله تعالی به طور دقیق اندازه گیری و مقدر شده اند.

در حدیث شریف دیگری آمده است: عن ابن عباس رضي الله عنه قال : كنت خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم يوماً فَقَالَ: « يَا غُلَامُ! إِنِّي أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ : أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنِي بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ، وَجُفَّتِ الصُّحُفُ ». سنن الترمذی(۴/ ۶۶۷)

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم، آن حضرت فرمودند: «ای پسرک! چند سخن به تو می آموزم: الله را حفظ کن (یعنی اوامر او را انجام بده و از آنچه منع کرده است دوری کن)، الله نیز تو را حفظ خواهد کرد. الله را یاد کن، او را در برابر خود خواهی یافت. هنگامی که چیزی می خواهی، از الله بخواه، و هنگامی که یاری می طلبی، از الله یاری بجوی. و بدان که اگر تمام امت گرد هم آیند تا به تو سودی برسانند، نمی توانند به تو سودی برسانند مگر چیزی که الله برای تو نوشته باشد، و اگر همه جمع شوند تا به تو زیانی برسانند، نمی توانند به تو زیان برسانند مگر چیزی که الله برای تو مقدر کرده باشد. قلم ها برداشته شده اند و صحیفه ها خشک شده اند. یعنی آنچه مقدر شده است در لوح محفوظ ثبت گردیده و جز همان چیزی که الله فیصله کرده است، واقع نخواهد شد.

واقعه: آنچه الله جل جلاله نوشته است، حتماً واقع می‌شود: امام حمیدی رحمه الله واقعه‌ای را نقل کرده است: روزی احمد بن سعید بن حزم وزیر، در مجلس امیر منصور بن ابی عامر نشسته بود. امیر روزی را تعیین کرده بود که در آن شکایات مردم را می‌شنید. در آن مجلس پیرزنی بسیار ناتوان وارد شد که عریضه‌ای در دست داشت و در آن نوشته بود: «الله تعالی به امیر عزت دهد و پادشاهی‌اش را پایدار گرداند...» منصور بن ابی عامر به او گفت: چه درخواستی داری؟ آن زن گفت: پسرمدت زیادی است که در زندان است. او خدمت‌گزار من است و به مشکلاتم رسیدگی می‌کند. اگر آزاد شود، مشکلاتم حل خواهد شد. امیر پرسید: نام پسرمت چیست؟

پیرزن نام او را گفت. امیر از شدت خشم سرخ شد و فریاد زد: «يُصَلِّبُ، يُصَلِّبُ، يُصَلِّبُ»؛ یعنی: «او به دار آویخته شود، او به دار آویخته شود!» سپس امیر دستور نوشتن حکمی را داد تا در آن حکم به دار آویختن آن جوان نوشته شود. حکم را نوشت و به وزیر سپرد تا به مسئول زندان برساند. هنگامی که مسئول زندان فرمان امیر را خواند، همان چیزی را که در آن نوشته شده بود اجرا کرد و آن جوان را از زندان آزاد ساخت، و جوان آزادانه رفت.

وقتی امیر آگاه شد که آن جوانی که درباره‌اش حکم اعدام داده بود آزاد شده است، بسیار خشمگین شد و گفت: مگر به شما نگفته بودم که او باید به دار آویخته شود؟ وزیر و مسئول زندان از شدت ترس لرزیدند. مسئول زندان گفت: الله تعالی امیر را عزت دهد! من همان کاری را انجام دادم که شما دستور داده بودید. سپس فرمانی را که امیر با دست خود نوشته بود به او نشان داد.

امیر وقتی فرمان را خواند، دید که به جای «يُصَلِّبُ» (به دار آویخته شود)، نوشته است «يُطَلِّقُ»؛ یعنی «آزاد شود».

پس بنگر که وقتی الله تعالی آزادی آن جوان را مقدر کرده بود، همان واقع شد، و الله تعالی به جای نوشتن «به دار آویخته شود»، بر دست امیر نوشت «آزاد شود»، و حاجت مادر آن جوان برآورده شد. جذوة المقتبس في ذكر ولاة الأندلس، للحمیدی (ص: ٤٦)

رضا به قضاء، نشانه سعادت است و ناراضی بودن از سهم و قسمت خود، نشانه شقاوت و بدبختی است. در حدیث شریف آمده است: عَنْ سَعْدِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ رِضَاهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ». سنن الترمذی ت شاکر (٤٥٥/٤)

ترجمه: از سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از سعادت فرزند آدم این است که به آنچه الله برای او مقدر کرده راضی باشد، و از بدبختی فرزند آدم این است که استخاره و طلب خیر از الله را ترک کند، و نیز از بدبختی او این است که نسبت به آنچه الله برایش مقدر کرده ناراضی باشد».

امام جعفر صادق رحمه الله به فرزند خود چنین وصیت کرد: يَا بُنَيَّ اِقْبَلْ وَصِيَّتِي، وَاحْفَظْ مَقَالَتِي، فَإِنَّكَ إِنْ حَفِظْتَهَا تَعِشَ سَعِيدًا وَتَمُتَ حَمِيدًا، يَا بُنَيَّ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ لَهُ اسْتَعْنَى، وَمَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ مَاتَ فَقِيرًا، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ أَتَاهُمْ اللَّهُ فِي قَضَائِهِ. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء (٣/ ١٩٥)

ترجمه: ای فرزندم! وصیت مرا بپذیر و سخنانم را حفظ کن؛ زیرا اگر آن را حفظ کنی، سعادت‌مند زندگی خواهی کرد و با نیک‌نامی از دنیا خواهی رفت. ای فرزندم! هر کس به آنچه الله برایش قسمت کرده راضی باشد، بی‌نیاز می‌شود، و هر کس چشم به آنچه در دست دیگران است بدوزد، فقیر خواهد مرد. و هر کس به آنچه الله برایش مقدر کرده راضی نباشد، در حقیقت الله تعالی را در قضای او متهم ساخته است. ایمان به قضاء و تقدیر و راضی بودن به آن، در دل انسان شادی، آرامش و آسایش روحی ایجاد می‌کند.

ایمان داشتن به قضاء و تقدیر و رضایت به آن، سبب اجر بزرگ و رحمت الله تعالی می‌گردد.

الله تعالی می‌فرماید: (وَلَتُبْلَوُنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ). البقرة: (۱۵۵-۱۵۷)

ترجمه: (وقت صبر شما مصیبت‌های آینده است) البته شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، نقصان مالی، جانی و نقصان میوه‌ها می‌آزماییم، مژده بده صبرکنندگان را (در برابر این مصائب)؛ همان کسانی که هرگاه مصیبتی به آنان برسد می‌گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ یقیناً ما از آن الله ایم و به حکم او آماده ایم و ما به سوی او باز می‌گردیم. این گروه درودها و رحمت الله شامل حالشان است، و آنان همان هدایت‌یافتگان‌اند.

ایمان به قضاء و تقدیر و راضی بودن به آن، در دل انسان بی‌نیازی و غنا ایجاد می‌کند. در حدیث شریف آمده است که پیامبر علیه السلام فرمودند: «وَأَرْضٌ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ تَكُنْ أَعْنَى النَّاسِ» مسند أحمد (۴۵۸/ ۱۳)

ترجمه: به آنچه الله تعالی برای تو مقدر کرده است راضی باش، تا بی‌نیازترین مردم باشی.

کسی که به قضاء و تقدیر ایمان دارد و به آن راضی است، هرگز از ضرر و زیان مردم نمی‌ترسد.

پیامبر علیه السلام می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوْ اجْتَمَعَتْ عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ». سنن الترمذی (۶۶۷/ ۴)

ترجمه: و بدان که اگر تمام امت گرد هم آیند تا به تو سودی برسانند، نمی‌توانند به تو سودی برسانند مگر آنچه الله تعالی برای تو در تقدیر نوشته باشد، و اگر همه جمع شوند تا به تو زیانی برسانند، نمی‌توانند به تو زیان برسانند مگر آنچه الله برای تو مقدر کرده باشد.

ایمان به قضاء و تقدیر و رضایت به آن، در انسان شجاعت و قوت ایجاد می‌کند؛ زیرا انسانی که به قضاء و تقدیر ایمان دارد و می‌داند که هرچه به او می‌رسد در وقت معین خود می‌رسد و مرگ نیز زمان مشخصی دارد و پیش از وقت مقرر واقع نمی‌شود، چنین شخصی شجاع می‌شود و از مرگ نمی‌هراسد. الله تعالی فرموده است: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً». آل عمران: (۱۴۵)

ترجمه: و هیچ‌کسی نمی‌میرد مگر به اذن الله، در زمانی که از پیش تعیین شده است.

در آیه مبارکه دیگری آمده است: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ. الاعراف: (۳۴)

ترجمه: و برای هر امتی زمانی مقرر است؛ پس هنگامی که زمانشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند و نه پیشی می گیرند. کسی که به قضاء و تقدیر ایمان داشته باشد و به آن راضی باشد، بر چیزی که از دستش رفته است افسوس و حسرت نمی خورد.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ اخِرِصْ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَتْ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ ». صحیح مسلم (۵۶/ ۸)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « مؤمن نیرومند بهتر و نزد الله محبوب تر از مؤمن ضعیف است، هرچند در هر دو خیر وجود دارد. بر آنچه برای تو سودمند است حریص باش، از الله کمک بخواه و ناتوان مباش. و اگر مصیبتی به تو رسید، مگو: اگر چنین کرده بودم، چنین و چنان می شد؛ بلکه بگو: این تقدیر الله بود و هرچه خواست انجام داد؛ زیرا گفتن "اگر" دروازه عمل شیطان را باز می کند.»

یعنی انسان با سخنان مخالف قضاء و تقدیر، در حسرت، افسوس و خیال های بیهوده را به روی خود باز می کند و دچار رنج و ناراحتی روحی و روانی می شود.

البته همه کارها باید به قضاء و تقدیر الله تعالی سپرده شود، اما در کنار آن نباید از به کارگیری اسباب و وسایل نیز غافل شد. برای مثال، اگر بیمار شدی، باید درمان کنی، به داکتر مراجعه نمایی، و پس از انجام معالجه، امور را به قضاء و تقدیر الهی بسپاری و بر الله تعالی توکل کنی.

وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.